

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
ضمنمایه

پیکار

صفحه ۲

سال دوم - دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۵۹ - بهاء ۱۰ ریال

راه کارگر

در برابر رویزیونیسم

یا در قلمرو رویزیونیسم؟

پیش درآمد:

ویرای اینکه سنا دهیم این رفاقت یک زاویه رویزیونیستی به "رد تزوییل امیریا" می‌باشد. این اتفاقات آن را مورد تقدیر و احترام قرار داده است.

"راه کارگر" چه میگوید؟ کتاب فوق الذکر در

توضیح رویزیونیسم میگوید: "درینجا فرمایند که درینجا همه نظریات "راه کارگر" در خصوص میان گوناگون نمی‌باشد، آنچه مداراین سیاست‌گذاری می‌شود را درینجا می‌دانند. این اتفاقات رویزیونیستی موجود در کتاب "درینجا سیاست‌گذاری می‌شود" درینجا می‌دانند. البته لازم به تذکر است که درینجا می‌دانند با ریخت سرمایه‌داری در شهری و اشتغالات خانه‌ای است تزوییل امیریا لیست‌نمای باشیم، بلکه برآن‌نمای نظرات رویزیونیستی و تروتسکیستی "راه کارگر" در برخورده مقوله رویزیونیسم و رویزیونیسم خروجی را مورد استناد قرار دهیم.

رفقای "راه کارگر" مدعی "سوواری" در جنبش کمونیستی ایران بوده و در سلسله محدثهای خود و بیویه درخواست "درینجا" را در این جمعیتی در خواستند. درینجا درینجا دادن فقرت‌شوریک دیکران لیسم "اما رعجمیستی درینجا دادن فقرت‌شوریک دیکران" (بیویه) نیزروها کی کمونیستی را استین بعتقد تز سوسیال امیریا لیسم (ادانه و تاکیدی) ورزند که درینجا "شروعی باید تحقیقات فراوانی مورث گیرد تا بتوان نظر قطعی این را داشت، لیکن در همان زمان موضع خود را در "شوروی" سوسیالیستی اراده می‌داشت. مرغینه از سبک و شووه روشنگرایانه این رفقا باید مطرح ساخت که مفهوم اساس تفسیر آن را در برخورده شوروی و مقوله رویزیونیسم انجرافی و خدمت را کیستی می‌باشد و این موضع لطفه‌ای از زنجیر تفکری رویزیونیستی - تروتسکیستی است که راجله خود را نیز خود به مقوله "دولت" و "فاسیسم" نشان میدهد.

جوهر تفسیر حاکم بر "درینجا" این است: سوسیال امیریا لیسم "رویزیونیستی است و بیناگزیر هرگز نمی‌تواند جوهر طبقه ای رویزیونیسم را در کنند و با آن مزیدنی سما بدوی طبقه اولی هرگز نمی‌تواند تراکمیستی سوسیال امیریا لیست‌نمای را در کنند، به این ترتیب داده "درینجا" این مقوله رویزیونیسم "رفقای راه کارگر" می‌باشند. نیز مینه‌سازی هنایی چهت بسط رویزیونیسم و تقویت افکار رویزیونیستی در سطح جامعه و کلام به رویزیونیستها، بیویه و سوسیال امیریا - لیسم‌شوروی و کارگر را آن حزب توده خدمت میکند و پرواضح است که چندین بینشی هرگز نمی‌تواند به مقوله سوسیال امیریا لیسم برخوردی علمی داشته باشد. حال برای اینکه میان راه آزادی طبقه کارگر

۴ - ما هیئت ایدئولوژیک - طبقه ای رویزیونیسم

پایه طبقاتی رویزیونیسم

امیریا لیسم پریا به غارت خلقهای جهان، یافته سوده‌نگفته بست می‌آورد که بتوسط آن قشرها لاشی طبقه‌گارکارا فاسدی سازد. بقول تینی: "اپورتوسیستها یک بخش از خرد و سوزرواژی و سک قشرمیں از طبقه کارگری می‌شوند" سوده‌زیاد امیریا لیست‌نمای خوبیگش نگهبان سرمایه‌داری و مفسدین جشن کارگری سدل گردیده‌اند، "سوزرواژی یک قدرت" سرگ "امیریا لیست‌نمای می‌تواند از نظر اقتصادی قصر بالای کارگرهای "خودرا" با مخراج حدودیک می‌بلیون فرانک در سال رشوده‌دهد، بزرگ‌نمای موقی سوده‌س احتمال قوی حدود آن به هزار میلیون می‌رسد و گوگوکی تقسیم‌بین روش‌کوچک‌بین وزراء کار، "نمایندگان کارگری" اعماق کارگر کمیته‌های صابع جنگی، سطلیون کارگری، کارگری انسان که متعلق به سندیکاهای کوچک خوفهای اند، کارمندان اداره، نیزه و غیره مسئله‌درگذومی است.

(امیریا لیسم و شعبا در سوسیالیسم) وبا در راه دیکاریستی میگوید رویزیونیستها: "قشر ارکارگران و کرووهای اداره های این ارکارگران هستند که در راه قیمت افزایش بورزه زواری خرسداری شده (بهترین حقوقها، متألف آزمودن و غیره) و به سوزرواژی خود گذاشتند تا ملتی‌ها کوچک و نمیکنند را غارت نمایند و مخدوش ساز و در راه تخصیم‌عنای شم سرمایه‌داری پیکار کند.

(وظایف پرولتا ریا در انقلاب ما) لشی در هنگ میکند تغلق پرولتا ریا در انقلاب را بدستور خود توپخیج اینکه جراحت ایجاد کند و بود در راه قیمت افزایش بورزه زواری خرسداری شده (بهترین حقوقها، متألف آزمودن و غیره) و به سوزرواژی خود گذاشتند تا ملتی‌ها کوچک و نمیکنند را غارت نمایند و مخدوش ساز و در راه تخصیم‌عنای شم سرمایه‌داری پیکار کند. به اینکه چگونه رویزیونیستها را در این کارگری می‌باشد، لشی مطرح ساخت که رویزیونیسم بطور خلاصه "راه کارگر" معتقد است که رویزیونیسم در کشورهای اروپا شی بندود اقشار ایمانی و سیاستی اشرا فیت کارگری است و سلطه رویزیونیسم ایدئولوژی سوزرواژی نیست، بلکه تحلیل یا انسکاوس ایدئولوژی بیویه ای است.

برای شناسن دادن تحریف رویزیونیستی "راه کارگر" در موضوع رویزیونیسم با پدیده سه نکته توجه کنید:

۱ - پایه طبقاتی رویزیونیسم، ۲ - رواضح است که چندین بینشی هرگز نمی‌تواند به

اصلی بیویه ای در جنیش کارگری، و

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را بر افراشته قریب از

اخلال می کند و از سوی دیگر شرایط با زن تولید می سپار
سلط را ترمیم کرده و قدرت طبقاتی خوبیش را افزایش داده
ربیختن می رهاند.

با توجه به کل مسائل فوق ما متوجه تحریف روبرویم.
بوضیعتی "راه کارگر" می شویم زمانی که وحیت از
ا'قتارهای انسانی و بیویجه از شرافت فیض کارگری می نکسد.
نان را بسیار خوب می بینیم و متعجب بودم از دستور طرف میکردند.
بلطفه نه "متهدیتی" که در ابطه رگانیک با پنهان امیر
با لیسم دارد، بلکه "محمدیتی" که چه اسما از نظر "راه
کارگر" دارای طرفیت ضاد میریا بیستی" می باشد!
نه "متهدیتی" که "مالین و افعی بوروزوازی" و محربار
و بیرونیسم بمناسبت ایدئولوژی بوروزواشی می باشد،
بلکه "متهدیتی" که دارای تفکر "فرده بوروزواشی" می
باشد و پرولتا ریا می باشد نسبت به آسان روس
حتیا طرد از شدیداً شدوان را کاملاً در جبهه بوروزوازی
حباب نیزه دارد.

تحریف "را هکا رگر آنجا ست که "عا ملین واقعی
بورزوایی "گهدا را بپیوند فضایی - اجتماعی و
جیزسیا سی با بورزوایی می باشدند به سطح متعددین
نه کم با بست مورد "توجه آنرا رگیرند با شن می آورد
درست بسته می بازد علیه عمل بورزوایی درجه
را رکری را به کجا همی کشاند. تحریف "را هکا رگر
تجربه دان می گردد تا پرولتی ریا در می روزه علیه
دشمن اصلی خود در جنگی کارکری به انتقام حرف کشیده
سودا و دشمن از می روزه بیکیر گمونیستی در اسان
برار گیرد .

ماهیت ایدئولوژیک - طبقاتی

رویزیو نیسم

بنظرم را پریز پوشیدم سکلی از آبادشلوژی بورزوای
ی می باشد . لیبرالیسم میان پوسیده‌ای ای
دلیبا ن ما را کنیستی درآمده است . اگر وا میرالیسم
ن گندیدگی سرمایه‌داری است اگر آزمیستوکرا می
گردیدگی امیرالیستی است روپر-
گری زا شیده گندیدگی امیرالیستی است روپر-
زمینه بیدشلوژی گندیده بورزوای امیرالیستی
است که میکوشد طبقه‌کا زکرها فاسدا خسته و را
عنایتی است تا سرمه بیداری نگا هدا رودوا زا نتلاب
ترف سازد .

زمانیکه روپر بونسبتها بهنخی اقلاب میبدارند
بیست خاکم و حاکمیت بورزوای را تائید می کنند .
ما بینکه روپر بونسبتها با رامانتی رسم را سجده کرده و
فرموده اصلاحات را هدایات اساسی قلمداد می کنند ،
ولدت سورزوایش و قوانین سورزوایزی را به مردم می بینند
باخته و در بر اینها گوش می کنند . زمانیکه
بیکتا سوری پرولتا ریا را نهی می کنند دیگرنا سوری
بورزوای و مساعی طبقاتی موجود را تائید می -
کنند ... جوهر روپر بونسبم معنی نهی ما را کرسیم -
شنیتیم و ارتادا کمال نسبت بدان . آری روپر بونسبم
غفودا بشلوژی بورزوای در میان طبقه کا گاست .

رمیان جنیش کا رگری می باشد، تکیہ‌گا اجتماعی
معنی چہ؟ پایگا اجتماعی عبارت از **سینروٹی**
مجتمعی است کہ ما زش دہپرولتا ریا با سورڑوازی

ست. امپریا لیسمبرای اینکه نفوذ خود را در میان برولوت ریا تا مین کنده ای اتکا به یک قشر میگیرند. جتمان عی این دهد را تحقق می بخشد. این فرشته ها ن شرافتی کارگری است. این فتوپادار نظام و اکامیت بورژوازی و مخالف سرخست انقلاب است. این فتوپادار نما مقوایی کوشیده های برولوت ریا و بورژوازی ایل زده آشی طبقاتی را بجوده ورد. بورژوازی با اتکا به این شریوی اجتماعی در درون طبقه کارگری کوشیده های انسانیات اجتماعی است. اینها را کهنه را ارتقیلیده نماید.

سینی مویس :
این شرکا رگران بوزرواشده با "قشاشر اف کا رگری" کا لحاظ شوؤزندگی و میزان دست - مزد و بطرکلی جهان بینی خود کما ملار سردید - بوزرواهستد، تکیہ کا عدهه انتربیویتال دوم و در این ایام تکیہ گا عدهه اجتماعی (نھ چنگی) بوزروازی را تشکیل منی دهدن، زیرا ایساها عاملین واقعی بوزروازی در جمنش کار - کری و میباشین کا رگری طبقه میباشد از این و مجریان حقیقی رفرمیم و شوینیسم هستند - در جنگ داخلی برولوترا ریا علیه بوزروازی ، بسیاری از ایساها بطریف از بوزروازی به طور بدایری "روسی ها" علیه "کوموتا رهسا" بر می خیرند . (ا) مهربانیم بعنای بدها لا ترین مرحله سرمایه داری - تکیه زمست .
این قشربزمیها به تکیہ گا عیا یا یکا عدهه اجتماعا عی بوزروازی، سهتر اخوند بوزروازها از بوزروازی دفاع ی کنند. بوزروازی بدون این یا یکا عاملی اجتماعا عی می توانند در قدرت بمانند .

آریستوکراسی یا اشرا فیت کا رگری پیوسته در پی حکم موقعيت ممتازاً جنمای و اقتضا دی خود مهیا شد. بیدن خا طرتو سعه مناعش با هستی بورژوازی امیر- لایستی گر خورد هاست. بینا بر این این فرا جانها عی مهربی برهمه زدن تضمیم طبقاً شی موجو دیگر در پی حکم آیست و مناع خود را در تقابل با مناع طبقه را رگرمی بینند، و می خواهد همیبا ره طبقه کارگرها شد، یا می سار رزما که در چهار رجوب مناع سیاست بورژوازی می مانندتا و بیو تادا مناعیات بیشتری کسب کند. او بیدن مخالف می سار رزما نقلابی طبقه کارگر است. مناع در وحدت با مناع بورژوازی است و مناع بورژوازی ریا ز تولیدی سیستم جنمای و روابط تولیدی موجود یا به اند. قشر اشرا فیت در هم سروشی با بورژوازی ریا من طبقه کارگر به تحریب می رزه طبقه کارگری پروان- اسرا رسدا خنده ایده های آشت، طبقه، را رواج میدهد.

آنها صدها میلیون نفر از خلقهای جهان را غارت می-
کنند، امیربا لیسمما سندزا الوشی بربدن تودههای
استمدیده، جهان می-چسبیده از خون آنان تسفیده میکنند و

زا بین را سود هنگفتی بدست می آورد. لبنتی فه
میکند که میریا لیسمیا بکار رکرفتن جزوی از این
سود عظیم است که قشر و قوامی طبقه کارکر را می خود و به فساد
می کشد و آنرا به مهمترین با بکار جنمای خود در
درون چشم که رکری تبدیل می شماید. بنابراین
بوروزواری از نظر اقتصادی، زیستی عار و چباول خلق-
ها و کسب مال موقع سود میریا لیستنی اشرا فیبت کارکری
را بپرورداده و آنرا به هرمی بنازی به اخراج کشاندن
صبا روز طبقاً تی پرولتاریا و جلگوگیری از انتقالات
موسیا لیستنی تبدیل می کند. بوروزواری این فشر را
می بپروردند و این فشر "تفوپویزوروزاری را بپیویزه" در
میان برولوتاریا می سرد. جاشی که بوروزواری می سارد
بدان احتیاج دارد و چنانکه مطبع کردن اخلاقی توده-
ها را زده همچا مشکل تراست". (۱) میریا لیسمو انشتاب
در سویا لیسم .

بدين شتبيب از نظرلشنين بین امهربالیسم از
بکسروا پورتیسم رویزبونیسم و سوسیا ل شوبنیسم
زوی دیگر رابطه اقتضای مستقیم وجود دارد.
ما فوق سودا امهربالیستی سرمهشان شی است که رویزبونی-
نمیم را هشتی می بخشد و سینه ایمن رویزبونیسم را شده
امهربالیستی می باشد. بقول لشین:

بـدـيـهـيـتـ باـيـ چـينـ مـاـلوـقـ سـودـهـكـهـتـيـ مـيـ
سـوانـ رـهـمـيـ كـارـگـارـانـ وـقـرـفـوـقـاسـيـ كـارـگـارـانـ
راـكـهـقـشـاـشـاـغـيـتـيـ كـارـگـريـ باـشـدـ ،ـ خـرـيـسـ .ـ
اـيـنـ قـشـرـاـهـمـاـنـ سـرـمـاـيـهـداـرـانـ كـثـورـهـهـاـيـ
ـيـشـرـدـ مـيـ خـرـنـدـواـيـنـ عـلـمـ رـاهـمـهـ هـزـارـانـ
وـاسـلـ مـسـقـمـ وـغـيرـمـسـقـمـ ،ـ آـشـكـارـاـ وـيـنـهاـيـيـ
ـاـنـحـامـ مـيـ دـهـدـ .ـ

(امیریلیسم بهمثابه آخرین مرحله سرمه بدادری) برمهنای با پهله اقتضا دی فوق، موسات سیا مسی سرمایه داری ما نتند مطبوعات را ادیدوتوپیزیون، با لسان ناسازمای دولستی، سندیکا ها و غیره با دند پیست و مقاومت مناسب و حقوقی های گزارفته کارگران و کارکنان روپریزیونیست و رفرمیست، برای آنها امتیازات سیاسی را نیز س موجود می آورند و تینجشان مهوروزا زی با تعطیف کمال این قشر از نرا به حامل سیاست خود را در میان طبقه کارگر تینجشیل می کند. بدین ترتیب از تنقطعه نظر طبقه ای باه طبقه ای تینجشیل روپریزیو - سیاستها که ارمندان و قشر اشرافیت کارگری میباشد که از جانب امیریلیسم خودیده است بعدهنی هستی طبقه ای آنان درگر و وجود غارتکری امیریلیسم می - باشد، اشارافت کارگری را شنیده طبقه ایکری و گندیدگی سرمایه داری امیریلیستی است و از تنقطعه نظر طبقه ای

روزیونیستها، تکیه‌گاه اجتماعی بورزوای

روز بیونیستها تکیه‌گاه اجتماعی اصلی بورژوازی

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتقای داخلى جدا نیست

پیکار

س ابرکوشنیستها رو بزیبونیسم را یک جریان ایده‌شولو
زمیک سورزوا شی می دانند و بر اساس این تحلیل
ضمون و نوع میرا زده خود را علیه این خطربورزواشی
مشخص می سازند، حال آنکه "را ها رگر" میگوید:
"برخلاف برآمده ای (از جمله‌لشن) - پیکار که
اعتفاده ردر و بزیبونیسم ایده‌لوژی سورزاوا
زی است، بزیبونیسم تجلى ایده‌لوژی سورزاوا -
زواشی در جنبش کمونیستی است".

رفقای "را ها رگر" می‌گویند:
"ما از ایده‌لوژی علمی - انقلابی طبقه‌کارگر
با شما مبسوطی مان دفاع می کنیم و با شما
مبوی مان در غلوی آن وظفته آن از اخراجات
اندیشه‌های سورزاواشی و غیربرولتری بیلاش
می ورزیم".

(دربرابر و بزیبونیسم و تزمیسال امیریالیم، ص ۲)

آیا واقعاً چنین است؟ برای باشید مثله
نه به آن توجه کرد رفقای "را ها رگر" اعدام راند، بلکه به
ضمون سیاست آنان با بدروجداشت، واقعیت
ضمون سیاست "را ها رگر" نه درجهت "خلوص" و "حظ"
ما رکیسم. لذتیشم "از اخراجات اندیشه‌های بور-
زواشی" بلکه عکس، "الولد ساختن چنین ما رکیسمتی
لذتیشمی به آن دیده های غیربرولتری و بزیبونیستی
و ضربه بدرسته نمودن این چنین دربرابر و بزیبونیستها
وسیال امیریالیسمی باشد.

رویزیو فیسٹم

مشی خرد بورزوایی یا مشی بورزوایی؟

برای اینکه دقیق تر در بیان کمیمه و فقاًی "راه‌گاری"
نظریه‌لذتمن را در بیان روزیزونیسم قبول نداشته و
در سخن‌خود راه به من شوری گرفتار یک احتراف اپورتو-
نسیستی را است روانه می‌باشد، استدللات آنسان و
دنبالاً می‌کنیم. "را ها کارگر" دور دنظریات مارکسیستی
لذتمنیستی در بیان تسلط روزیزونیسم بمنابع پسک
حریان سوژوارشی در شوروی و حاکمیت طبقه بورژوازی
بریدستگاه نرمی دولتش در این کشور می‌گوید:
"ا سان میگویند جون در شوروی روزیزونیسم خط
سلط حزب است بنا بر این طبقه" سرانه داد ردر
شوری وجوددارد. می‌پرسیم جرا طبقه سرانه -
دار؟ مثلاً نعمشوداً زقدرت گیری یک قشر غیر
برولتیری سخن گفت؟ ۲ آهار اخراجی صرور است
با سختی از هستی یک طبقه نشان بگیرد؟ ۲ آه
فشرهای مبانی نمی‌توانند بک نظم فکری
ارائه دهد؟ ". همانجا بتا کیده و خطي ایام است
همانطور که دکتر کردیم "را ها کارگر" روزیزونیسم را
شنکلی از ابدالشولوژی سوژوارشی نمی‌داند و بهمین
خاطریم پرسید جرا تسلط روزیزونیسم بمعنای تسلط
طبقه بورژوازی است؟ "را ها کارگر" روزیزونیسم را

ما مشوار ای کنیم آبا این عکا س بک پدیده شکار
و قعیت آن پدیده نمی باشد؟ ما تربا لیسمدیا لکتیک
می گوید که پدیده ها قابل شناخت هستند و شناخت
درست ما ممکن برکش فا نوشمندی بک پدیده معین
می باشد. حال زمانی که ما از یک پدیده شناخت پیدا
کردیم، این شناخت این عکا س بک پدیده عینی در ذهن ما
می باشد. ایدئولوژی بوروزوائی اشکاسی از منافع
بک طبقه معین اجتماعی به معنی بوروزوایی است. جوهر
اطلی این ایدئولوژی خدیت با برولترا ریا و پاسدا ری
از حاکمیت طبقاتی بوروزوایی می باشد. حال رویز -

حال بینینم رفاقتی "را کارگر" چه می گویند.
آنان می گویند: رویزپونیسم "تفوذاً قشاً رهیاً نسی و
اشرا غفت کارگری" است. بهینا دیگران بن حکم به
این معناست که رویزپونیسم جوان فکری متعلق به
"قشاً رهیاً نسی و اشرا غفت کارگری" است. آنان می -
گویند رویزپونیسم "درشها بت و درما هبت" بوروزوائی
است. حال آنکه وقتی جوهرهایی کلام این رفاقت
 بشکمیم رویزپونیسم همان ایدئولوژی "خود بوروزوائی"
است. در مقابل این تحریف خدم رکسیستی لذتیست
برآ نیست که قشر اشرا غفت:

به بهترین و چیزی به بورزوایی خدمت میکند و خدمتش را به بورزوایی سویزه در میان کارگران انجام داده بسیار بورزوایی را سویزه میان پرولتا ریان من سرد بجا تی که بورزوایی سیار بدان احتیاج دارد و چنانکه مطیع کردن احلاقی توده ها را رهمه جا مشکل تراست.

لشیوه بحث بررسنی شفود فکار خرد بورزوازی طبقاً بحث بررسنی شفود فکار خرد بورزوازی
 ا) مروزه بیمه و سماپ در سوابع سیم
 ولذین مطرح می کند :

۱) مروزه بیمه و سماپ در مراکبیم
 بکی ارعده ترس اگرگوئیم تنهای عده ترس
 نسلورات تفدوی سورزا در برولت ریا و فاسد
 کردن برولت ریا سوط سورزا زی می باشد .
 (نتیجه گیری عجولانه - ۱۹۱۴ - تا کیدار است)
 طبعاً بحث بررسنی شفود فکار خرد بورزوازی
 کاملاً منطبق می باشد .

دربماں طبلہ کا رگرنسیت، بحث برسا پسندکے اساس پرورزا ذی ازطريق مفودا فکار خود درمیان طبقيہ کا رگراں طبقيہ راسہ فسا داد بولویزک می کشاند و پروواخ است کہ حالین ان افکار رہماں قشر اشرافتی و نسبت مخصوصین و تکنوقرات ہا و مهندسین می باشد کہ بدلتولیدرس ما بدایری و تکملاً ن و استھنے میباشد۔

لذین مطرح می کندکه "قشر اشاره بیت کارگری" حامل ایدئولوژی سوزنی داریان طبقه کارگر است. این بین ترتیب می خواهد در عرصه مهربانی و غارت خلقها را تحت ستم همیت نشاند و روزانه فروختن این بیت مبارزه کنم -
قشر اینها عی را مینهادند و همیت مبارزه کنم -
نیستها علیه این قشرها مخفی ساختند -
حال آنکه متوجه می شویم "را کارگر" ما هیست

ردیل ریزی میکند .
لذتمنی این است که باید اینکه بروزی بونیستها و پورتو-
نیستها "قابل عقاید و فنودیوروزاوشی هستندو... و افسا-
منحدریں و عمل سوروزا زی اند" نتیجه میگیرد که آنان:
"سپرولتاریا معنوان یک طبقه سیکانه بوده ،
خد منگار اران ، عالمین و سلیمه اعمال تفودیور-
دیکوئیورز سرتخت برولوتاریا را زیبای جلوه میدهد .
لذتمنی محبت از "تفودیوروزا زی" میکند ، حال آنکه
"را دکار ریگ" این حکم درست لذتمنی را شفیع کرده و
برداشتن اخراجی از زویزی بونیسم را شتمد هد .
برداشتن که آب تقطیر بر زیبی بونیسم می بیند .

روزگار ای امداده استدلالات خودمی گوید:
 "سرخات باره ای که اعتفاده رندروبریوننم
 ایدکلولوزی سورزوای- است، رویوسوبیم تحالی
 ایدکلولوزی سورزوای درجنش کمودی-
 است".
 و در جای دیگر آغا فده می گند:
 "در حالی که نیازمند نظرکارها نمک- است

بررسی میکنند و روی پرینت میکنند. رسانه های این نوع معملاً مدعی اینست که سورا زوایی میباشد، و روی پرینت میکنند از ایده شلوذی سورا زوایی میباشد. منع سورا زوایی در صفحه پروولتا ریاست دارد. برای سورا زوایی در صفحه پروولتا از میریا لیس، تاکیدات ایجاد نموده است.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

بورزوایی با قی خواهد بود". (امیرها لیسم و
نشعبا دروسیا لیسم - تاکیدنا زماست)
لبنین بیوسته برروی این مسئله تاکید میکرد که
ما همیشة ایدئولوژیک - طبقاً سی روزپیونیم بورزوای-
لی است کما ملا در تفاوتعربان و آشنا نا پذیریم ایدئو-
لولوژی برولتیری است. از دیده لبنین سوسیال شو-
پیشمیتها و روزپیونیستها دشمنان طبقاً تیر پرولوتی ربا-
شی باشد، زیرا با تمام مقوایی کوشندتا طبقه کارگر را
زترف قدرت سیاسی و در هم شکستن ماشین دولتی
ورکرد و قدرت سیاسی بورزوای را رساند و مقدمة
بخشنده، بهمین جهت بود که لبنین میگفت:

ایپورتومیم، دشمن اصلی ما است. ایپورتومیم در رده های سالای جنین طبقه کارگر، سوسا لیسم سورزو ایلی است نه سوسا لیسم پرولتا ریا نی. عمل نشان داده شده است که فعالیت طبقه کارگر کاگر شنا ایپورتومیستی پیروی میکند، پیشتر از خود سورزوها از سورزو ای دفاع میکند، اگر آسما همیزی کارگران را بعده نگیرد، سورزو ایلی سیم، مواد دارد و باتدست می شود.

گزراش مریبوط بهادفع مین الملکی وظیف
اساسی انتربنیوشنال کمومیتیست - تا کیدار امانت
لشین در افتخار بیهوده همان شده داشتمن و خاشین بمه
بلطفه کارگردان همین رساند مردو روزپریوشته امتحنیت
ر "سورزواهی که لبیا نرفت میستی به تن کرده اند"
که گند و مطرح می شماید که آسها "همه" کارهای را
کار وحیه ای بورزواشی و غیربرپر و لشتریا شی انجام می -
هد

بالطبع بروافع است حزبی که تحت نفوذ و هدایت
و پیروزی نشسته می باشد، حزبی که توسط رهبران نیز
هزیری یعنی شودگه دارای عقاید پرورآشی و روحیه ای
بدپرولتا رباشی می باشد، حزبی که در اختیار
امالینین پرورآزی در جنگش کارگری می باشد، نهی -
نوادمه همیزی جزیک ما هبیت پرورآشی داشته باشد.
نهیمن حزبی کاملا در خدمت پرورآزی و مهربانیسم

مودودی سے تھا دکنیدن جنتیں طبقہ رکسر در
سائبات مورڈواشی وہ میرا لیستی وہنا نجرا ف
شا ندن میا وز طبقہ نی برولتا ریا می ما شدوبھیں
خط دھمن سرست برولتا ریا ست، چینی ازا بسی
گرچن نجہدا رای کمیت قابل توجیہ اڑک رکسرا ن
ما شند، باز همدا رای ما ٹھیٹی مورڈواشی وہدا غلبائی
ئی با شند، لینین دربیا رہ چینیں ازا بسی میگفت:
”هم اکسون مورڈوازی درستہ مکسورہا برای خود

اچرا ب کارگری سورزاوائی از سان سوسیا ل
شونبینستها بوجود آورده، بپرورانده و تا مین کرده
است. «اهمیریا لیسموا منشا ب درسوسیا لیسم
نکید زماست».

به همان شکوه که جنبش کارگری تحت شفود و سلطنه
و بیرونیستها و پورتونیستها یک جنبش سورزاوائی
و هدیه داد، اچرا ب کارگری نیز چنان توجه تحت سیاست و

شی روپریمیتی قرا ردا شنیده باشد، از این کار گذشت
ورزروشی خواهند بود؛ زیرا این احزاب اگرچه غالباً س
ارکیستی پوشیده اند ولی از منافع تاریخی و
نقضایی طبقه کارگرها بیت نگردیده و بر عکس حافظ

عمل آورده است، برای آنکه رزبری خود گذاشته باشد و اقتضا دو سیاست را پیشنهاد خود کرده است. هدایت شما پسندتا کنون همه شکست آنچه می‌بینید است. باید نخت رهبری پرولتاریا، یا نخت رهبری سرمایه داران، شق شالی و وجودندازد. کامیسیون کتابخانه در روزی این شق شالی هستند. پسند رفایان و موهوم پرستان پوچ اند. سیاست و اقتضا دوتا ریخت دست ردبیسینه آنها میگذارد. همان می آموزش ما رکن نشان می دهد که جنون دار رسد، خرد رده با مالک و سائل تولید و رسمی است. ولذا از مبالغه بین آنها ختم سرمایه و

پا بیانی آن تضاد مینی سرما به وکا رویدیده باشد .
من از سرمایه با پرولتا ریا ناگزیر است .
سخنرانی در کنگره کشوری کا گروان حمل و نقل
روییه)

نهین بدرستی مطرخ می کنده "را سوم" افسانه بیش نیست، زیرا از جهان را ریخت خرد بورزوای قدان قدرت طبیاتی - اقتصادی است که دمدمشی سیاسی - اقتصادی مستقل خود را را شدین امر بخصوص در جو معنی که قطب بندی طبیعتی اان بسیار بیشتر نهایی تکامل یا فتحدا ملا نا - است. حال آنکه "را هکارگر" رسالت خاصی برای ورزوای در چنین جوا سی قائل است و صحبتست ما بدولولویزیک مستقل می کند.

سرمه روزی بیونیسمه از تولید خرد، بلکه از
بزرگ سرمایه داری حمایت می کند. اگر ابور-
نهایا و فرمیستها در ابتدا مسئله دفاع از تولید
را عنوان می کردند و خود را در سلک متعددین
ربا عا می زدند، با تکوین امپریالیسم و
امپاره طبقاتی برولتا ربا بخصوص در اثنای
هانی امپریالیستی اول رویزیونیستها و
ل شوینیستها به مذاق غمین بررویها فرض سرما بسته
ری و امپریالیسم تبدیل شده و از جنگ امپریا-
بدفاع پسندیدند.

س اس طور که میدا سیم در عصری که ما رکسمی بسک
قوی و محبوب را در میان کارگران تشکیل
د هروروز ای نمی شوا ندستیت بدنا می شفاف است
وا از طریق تطمیع کامل بیک قشر در جهت
دورا ما رکسمی میکوشد. پورتوونیستها در عین حال
کس را ستایش می کنند به این شکل بروزی پرولتا -
نت می ورزند. ۱. پورتوونیستها و روپریونیستها

پدشویی متعلق به اقشار مهندسی و خرد سوژه هایی است که ممکن است در مراحل مختلفی از پژوهش و تحقیق این دسته ایجاد شوند. این مقاله در مورد این مفهوم و مطالعه آن در این دسته از پژوهش ها می باشد.

برگردید بهمراه مسلمه . " را گذاشت " خردبار بود .
وازی را دارای یک "نظام فکری" میداند . به همان
بنگر و منتقد است که اقتصادی ریاضی دارای یک دستگاه
بدهشلوزیک مستقل و یک خط می‌ستقبل میباشد .
را گرسیم درین زمینه چه میگویید ؟ از نظره نظری
را گرسیتی - لینینیستی در عصر میرزا شغلاب
برونزی خرد بورزوآزادی ایک نظام فکری مستقل و می‌
ستقل خارج خودنمایش و نیتواندیباشد . موقعیت اجتماعی
فقط ای خرد بورزوآزادی در چنین مرحله‌ای از تکامل
برما بهدازی ، ای گونه حکم میکند که خرد بورزوآزادی
سازآخت سیطره بدهشلوزی و می‌بورزوآزادی سپر
کنند و پیوسته ، بخصوص در شرایط فقدان قطب برولتا -
با تحت خط می‌بورزوآزادی ترا رگرفته و عمله هژمونی
نزا بهذیرد . موقعیت نایابدا راقمدادی خرده -
بورزوآزادی ، تزلزل سیاسی اور ایبا آورد و او را
نهایه روی بورزوآزادی می‌سعادد . در عمر کوتولی خرده -
بورزوآزادی یک شیریو انسجا می‌افته طبقاً نسبت و
همین خاطرا گرچه خرد بورزوآزادی دارای افق کاری
بزرگ خودمی باشد ولی ارشادهندۀ "منی سوم" ،
جهان بینی سوم و "را هسوم" بهیچوجه نمی‌تواند
شد . خرد بورزوآزادی مظہرنا توانی در عرصه اقتصاد
بینی است . لینین می‌نویسد :

سپریو دوم، آن سپریو شیست که بین سرما سے
تکامل یا فتحه و پرولتا ریا قرارداد، این سپریو
خرده بورزوایی یا دارندگان خرد یا هستند.
آنها یعنی هستندگان در رویه اکثریت فاطح اهالی
راتشکل می‌دهند، بعده دهقانان، این سپریو
بطور عمدۀ از خرد مالکین واگذا و زران کوچک
تشکیل می‌شود، ازدهنفر، نه تنفر آنها چشمید و
جز این نمی‌توانند باشند، اینها در میان رزه
حدارسما به علیه کارشکت همه روزه ندادهند،
مکتبی نمیدهند اند، آنها را شرایط اقتصادی و
سیاسی زندگی سهم تندیک نمی‌کند، بلکه جدا
می‌سازد و یکی را از دیگری دور می‌کند و به میلیون
- ها داردۀ خردۀ پای منفرد تبدیل می‌نماید
... این سپریوین رهبری پرولتا ریا و رهبری
بورزوایی نوسان می‌کرد، ولی چرا این سپریو
که اکثریت عظیمی را تشکیل می‌دهد خود خوبیتمن
را رهبری نمی‌کرد؟ ریاضات اقتصادی
زنگی این نوده جاست که نمی‌توانند خودش
منحدر و همبوسته شوند... کلیه تلاشها یعنی که
خرده بورزوایی بطور اعم و دهقانان بالا حاصل

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

پیکار

صفحه ۵

می کنند. می بینیم که این رفاقت نقض تعیین کننده حزب و دیگران توری پرولتا ریا را در دوران ساختمان سوسای لیسمتا دیده گرفته و چنین و آنودمی سازند که کوپا اقتضا دوسای لیستی بدون سیاست پرولتاری امکان پذیر است!

می بینیم که این رفاقت تجدیدنظر خروشجیزم در اساسی ترین مبانی، مارکیسم "لینینیسترا" "اختلال" خلوصی دهد و مهمنتر آنکه خیانت های اصلی خروشجیزم را مسکوت می کنند.

لینین می کوید:

"کیمی فقط می رزد طبقاتی را قبول داشته باشد، هنوز مارکیست نیست و ممکن است هنوز ارجهای رجوب تفکر روزگاری و سیاست سورزاوائی خارج شده باشد. محدوداً ختن مارکیسم به آمورش مرسوط به سازه طبقات، بعثتی آست که از رسوئه‌ن زده شود، موردنتحریق قرار گیرد و سیاست انجارسانه‌شود که ریا بورزاوی پذیرفته می ساند. مارکیست فقط آن کی است که قبیل سطحه می رزد طبقات را تقدیم سطبه دیگنان توری پرولتا ریا رسیده دهد. وجه تمايز کمال عینی می بکرد خود روزگاری عادی (هم) - چمن بورزاوی بزرگ! سانک مارکیست در همین نکته است. سانک سک محک است که ساید چکوکی درک واقعی و قبول مارکیسم را آمود." (دولت و انتقال)

می دانیم که خروشجیزم متولد هر روان او و نهادها به شفیعی می رزد طبقاتی و انقلاب پرداختند. بلکه رویزبیونیست دیگنان توری پرولتا ریا را نهی کرده و سیاست آنکارا خیانت می کنند. خروشجیزم با طرح تزارویز - موسینیستی "دولت تما محلقی" اساسی ترین اصل مارکیستی - لینینیستی بعینی دیگنان توری پرولتا ریا را مردو مدی شمارد.

"راه کارگر" گهربی ریختن آب تقطیر بربر خروشجیزم است این خیانت عربان را مسکوت بسیار مارکیست کند. و می کوید:

"مورور ارات ایدلولویزیک را رویزبیونیستها (ی اشتراک سوئنال دوم - پیکار) مسئله نیفشه کردن قدرت از طرف پرولتا ریا بود. کوینیستها در این می رزمه سیمیری از آمریکا ران خود، صحت راه انقلاب را شان داده و حملت خیانت - کارهای فرم را اثاث کردند".

او اتفاقی کند:

"ترهای خروشجیزم در ساره دولت تما محلقی و حرب سما محلقی در خوش بینانه ترین تفسیر، تشوری مارکیستی - لینینیستی دولت و حرب را به این ابتداً می کنند و رتفقی بر دست اندود از مارکیست لینینیستی می ارزد طبقاتی از موضع مارکیست لینینیستی می ارزد طبقاتی در داخل جا معه سوسای لیستی است".

(دربرابر رویزبیونیست و ترسوسیال امیریالیسم) "راه کارگر" بنه سیک کا شونکی اساسی ترین مسئله بعینی دیگنان توری پرولتا ریا را مسکوت می کند و کا شونکی صحبت از تصرف قدرت می کند، ولی اینکه

رویزبیونیست خروشجیزم ریزد و عمل به ما رکنیم - لینینیست خروشجیزم ریزد.

ها نگونه که می دهد کردیم "راه کارگر" تحریت شوال نظر خود را طرح کرده و می گوید در شوری روزگاری رویزبیونیست "نفوذ اقشار میانی" و "تجلى ایدلولویزی بورزاوی" است قادر به مسکوکی شد و می شد؟ آیا

نظریه علمی لینین را توجه کند؟

سیستم سمجه اند بورزاوی می باشد. حال در اینجا "راه کارگر" باید جواب دهد که چرا

لینین صحبت از آن را بکار گیری بورزاوی شد؟

آیا نظریات انجاری می بینی هرای بینکه رویزبیونیست "نفوذ اقشار میانی" و "تجلى ایدلولویزی بورزاوی" است قادر به مسکوکی شد و می شد؟ آیا نظریه علمی لینین را توجه کند؟

ما مطمئن هستیم که رفاقت "راه کارگر" نسبتواند

به این مشوالات باعث علمی و لینینی گویند، زیرا

با بدائل آنان از گرفته رویزبیونیستی نشاست

می گیرد. هرای می همین نگرش، "راه کارگر" قدر

نیست رویزبیونیستی خانه خروشجیزم را مورد نقد

کمیستی قرار دهد.

استنباط رویزبیونیستی

"راه کارگر" از رویزبیونیست

"راه کارگر" در برخورد به رویزبیونیست خروشجیزم

دچار نهاراف رویزبیونیستی و تروتسکیستی برجسته ای

می باشد. "راه کارگر" "علمی غلط" کیدرست - رزوی

با راه ای از انجارافت خدمار کیستی خروشجیزم

رویزبیونیستی در بینه ای اسی ترین مسئلله بعنی

دیگنان توری پرولتا ریا تردیک شود، شمی تواند به

مرزینندی پرولتاری بینه ای زد.

اما نظریه که میدانیم رویزبیونیست خروشجیزمی -

برزنتی میان ارتادا کامل و خوب است عربان نیست

به مارکیستم. لینینیست و دیگنان توری پرولتا ریا بود.

رویزبیونیست خروشجیزم در اساسی ترین احکام مار-

کیستم - لینینیست تجدیدنظر کرد و دولت شوروی را

قبل می هیت نمود و کشور را هر سراسی بدارد ای سوق

می دهد.

خروشجیزم دیگنان توری پرولتا ریا را نهی کرد و

ونزرویزبیونیستی "دولت تما محلقی" را مطری می ازد،

حملت پرولتاری حرب را نهی کرد و مضمحل ساخته و

نژرویزبیونیستی "حرب تما محلقی" طرح می نماید،

انقلاب قهرا میز پرولتا ریا شی را نهی کرد و پارلمان

نشتا رسیم بورزاوی شی را بینه بداره و تغییرات اساسی

جاده معرفی می کند، می باز طبقاتی را نهی کرد و

سازش طبقاتی را جایگزین آن می نماید، خروشجیزم

در عرصه تشوری و پرلا شنک به ای شدیک بیستم کا مسل

رویزبیونیستی - بورزاوی شی پرداخته و نزدیکی

افحص دوسیا سیستم بکار رمی بندد، رویزبیونیست خروشجیزم

و اندود می ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

و نمودمی ساختند که خود تحیل جامع و علمی از رویزبیونیست

</

تکی درمودردا ساخته ان سوسیا لیستی رویزبینویسی
نبودجهون درزمان کاشو تکی آلمان هنوز انقلاب
اجتماعی نکرده بودکه به سوسیا لیسم بررس !

خروشچفیز فقط کتا رکذا ردن یک اصل علمی
نمیود، خروشچفیز مردم را رکسمی بود، خروشچفیز انتبا -
هاتی دردهن خروشچف نیست، خروشچفیز یک خط میتی
رویزبینویسی و با ازتاب و اتعکا س منافع سورزا زی
توخاسته شوروی می باشد.

این رویزبینویسی آنکار است که بگوییم جون در
شوری انتقلاب سوسیا لیستی انجا مگرفته بنا بر این
مقوله انتقلاب سوسیا لیستی بعنای یک اصل علمی
منتفی گردیده است، رفتار کردن بدین طریق ابور -
تونیستی زمینه سازی برای همه خیانتکاران مرتد
می باشد .

بیکان وازا همیت واحد
ای طبقه کارگر شوری .
سلنه ای است فرمی تا
ده که این طبقه کارگر
سرگذشت است . بنا -
همیم آبا حرب گمونیست
بیونیست هست بانه ؟
آنی که برای این کشور
من گندیده هست تا کیسد
ما ساخته ان سوسایلیم را
ما داریما را حرکت مینمود ،
او رویزبینویسی می بود .
آن این نیست که شوروی -
درومدا نقلاب
نیست و با گرا بش مسلط

درست است که در شوری انشقاب سوسیا لیستی صورت گرفت (۱) ولی این اصل بعثت‌نهای راه تحول انقلابی جوا مع شری کماکان با بر جاست و سعلوای خروجی با طرح با رلمان است رسمی کنیده بور- ژوا شی در کشورهای سرما به دارای انقلاب سوسیا لیستی را نهی می‌کنند و طبقه و توده‌ها را بایه‌باقی ماندن در اسارت سرما به دعوت می‌کنند. خروجی خود را در هر کجا و در مورد هر اصل که تجدیدنظر کرده باشد خبر است و سراسی اطمینان خاطر "واه کارگر" یا پی‌گفتگو که خروجی خود را در تمام زمینه‌ها و جمله‌های در مورد شورش‌سیا میرسویست به ساخته‌مان سوسیا لیستی تجدیدنظر کرده، را می‌سوسیا - لیستی را کلا رها نموده و روا هر سرما به داری را در بیشتر می‌گیرد.

واعقیت ها عربیان است. "را کا رگر" معناد است
دهد حزب کمونیست شوروی رویز بیونیسم مسلط نیست،
بلکه با بدای زگرایش مسلط رویز بیونیستی دریسک
مورد "محبت نموده". "را کا رگر" که اعدامی مبارزه علیه
رویز بیونیسم را داد و معناد است که حزب رویز بیونیست
شوری، رویز بیونیست شیست، که رویز بیونیستهای
خروشی، رویز بیونیست شیعی باشد، زیرا نسان
 فقط انتبا های کردندند که همها بل گذشت است!
با پیده رفاقتی را کا رگر گفت خسته ندا شید، شما
یک کتاب شوتینکی به بیکوشید دربر بر رویز بیونیسم
پیشنهاد، حال آنکه می سینهند در قلسار رویز بیونیسم
سربری کنند. "می رزه" "را کا رگر" علیه رویز بیونیسم
نشان می دهد که می رزه علیه تزویسیا ل امیریا لیسم
بهجه معناست. درواقع می رزه علیه رویز بیونیسم
ز دیدگا "را کا رگر" بمعنای دفاع از رویز بیونیسم
ست.

با همراهی دیرینه از دریافت این مقاله بخوبی شنیده ام و با خود متفق شدم که این مقاله را در پایان تاریخ انتشار آن را در سایت این نشریه منتشر کنم.

(۱) - روش است که کمونیستها و طبقه کارگر شوروی باشدند را انقلاب سوسیالیستی دو مرتبه بینند.

انقلابی را پیش رو داد
برخورد را است؟ ...
انقلاب قهرآمیز بینت
محوری، به این دلیل
انقلاب قهرآمیز را بش
برا بن برای اینکه
شوری بطور سلط و رو
با سیز روی تدور به
در میرسوسا لیسم ته
کس، مثلاً اگر شوروی
را ها میکردد و در میسر اف
سلماً بطور غالب و متم
منظور ما را این استند
های حزب کمونیست
قهرآمیز رویزیونیست
رویزیونیسم نیست،
گرا پشن مسلط رویزیو
تو واد بمعنای تسلط
کمونیست شوروی با
کلیدی در مرور طبقه
آمیز نیست، بلکه متم
سویا لیسم در خود کشند
(ص ۵۳)، همانجا تاکی
جهود لولی با پسرکار رهبا بد میشود گذاشته میشود . در
منجا نیز فرقاً "را هکا رگر" به مهمترین مسئله یعنی
دیکتا سوری پرولوت را با این اعانتاش بخورددم -
کشند. آنها نه تنها اساسی ترین محورها را زلتبین
علیبه رهبریان من مرتد استرتا سیوال دوم را بد -
فرما مشی می سپارند، بلکه همچنین علمیرغم اینکه نز -
های رویزیونیستی و خدماء رکبستی خروشچف را تفسیر
"خوش بیننا نه" و "بدینها نه" می کنند (!؟) ولی
با اخراج به کشف این مطلب شمی رستند که خروشچف به
دیکتا سوری پرولوت را خوب نمی کردند .
محبت کوئن ازا بجاد" اختلال "توسط خروشچفس
ومیشود گذازدن ارتدادکا مل رویزیونیسم خروشچفسی
نه تواند تقویت رویزیونیسم و مذدوش کردن مزر
بینین ما رکبستیم و پورتو نیسم نهنجا مل، و مطمئن
با شیم زمانیکه مزر بندی پرولوتی نسبت به رویزیو -
نیسم موجود نبود، نه تو شیم زدا رویزیونیسم به
کنار را قی بمانیم .

امروز "پوئوماریوف" رویزیونیست نیز کس
اینگونه جربان رویزیونیستی حاکم درسا زمان چریک -
های نهادش را مذدوش خود ساخته به خروشچف " انتقا -
داد تا "د روحیت حزب توده، این کارگزاری سوسیال
امیریا لیسم نیزرا خروشچف بطور آشکار رتحصین شمیکند.
بنابراین ر فرقاً "را هکا رگر" مزر خود را با اینان

درز مینه تحوّلات شوری چگونه ترسیم می کنند؟ وقا
قبویل کنیدکه مرز بندی شما نسبت به روبرویونیسم
خروشچفی سپا رسالحی می باشد. وسیاست شما نسه در
برابر روبرویونیسم بلکه خودردا مروبرویونیسم قرار
دارد.

رواه کارگر

خدمت به خروشچفیزم را
ناوچ خود می‌ساند

برای اینکه دقیق شرودرای بیم که رفاقتی را
کارگر دربرابر و بروزیونیسم مبارزه نمی‌کنند،
بلکه راه برای پیشوای آن هموار می‌کنند به‌
دعا منظوان در برخورد به رویونیسم خوشبختی
باشد. دقت نمود.

را ها رگر "میگویدا سندلار کموئیستهای معتقد
به تزویصیال امیریا بهمین پیشکش :
”چون رویزرویس نحرا از ما رکیسم است و
چون ما رکیسم ابدولوزی اتفاقی طبقه کارگر
می باشد، بنا بر این اگر در بیک حرب خط روز -
بومیستی سلط شد آن حرب دیگر حرب پرولتاری
نمی و در چنین جامعه ای سلسه موورژواری وجود
دارد. در جواب می گوشیم با پیدا دیدن سلطه در
کجا و از کدام اصول صورت گرفته است : مثلاً آیا
مفهوم سلطان قدر میرزا خسروی که انقلاب
سویا نیست، را بست سرگذاشت و خسروی که چنین

بیش سوی مسازه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

نخستین موسویان ام مهربانی سیم شوروی به مرزبانی قاطع
بودند تا نزدیکی را بسیار خطرناکی را در پیش بینی خود قرار
دادند. سروشوست کشوری چریان و رویزپویسی حاکم
بر رسانه زمان چریکهای فدائی طبق برای مجموعه جنبش
جمهوریستی در آموزشدهای بیشتر می رود. این
بررسیات بهم من آموزدها عدم مرزبانی پرولتاری سا
ویزپویسیم، راه به روش هولنایک رویزپویسیم می
باشد. افتادن اتفاقاً و طرد قاطنه دویزپویسیم را شکال
اختلاف خروشی - برزنتی - "سجهان" و غیره منتها
با سلسله های کمیکری جنبش ما رکوبیستی - لیبیدیستی
بریان است، اگرچنان مبارزه ای مورث شکریده ز ب
نیسبت ب دلتا، با نصیحته مدد خواهد داشت.

لئنین گفت: "نهایا خط ما راکیستنی در جمنیش کارگری جهانی این است که مهندسی درجه اجتناب نباشد پذیری و لسرزم بروید از پورتوپیسمرا توضیح دهد و آنان را برای انقلاب بوسیله بکار گرفتن یک مبارزه سخت علیه با پورتوپیسم آکا هماید".

در جای دیگر نیستم و سه ب در موضع نیستم
بکی از شرایط لازم برای آماده ساختن پرولتاریا -
ربای برای میتوپریش مبارزه ای طولانی، سرخست
و سیرم برخند پورتوفینیم، رفرمیسم، سوسیال
شوپنگ و سایر تأثیرات و گرایشات متناسب
سوزواهی است. اگرچنان مبارزه ای نیاشد
اگر پورتوفینیم در حقیقت طبقه کارگرکارگران ملا
شکت خودره دیکتا توری پرولتاریا نمیتواند
وجود دارد، بشوپنگ در سال ۱۹۱۹ - ۱۹۱۷ نمی -
تو است سوروza زی را نکشت دهد اگر قبول از آن
در سالها ۱۹۰۵ - ۱۹۱۲ با دیگرفته سودگر
مندویکهارا، بعضی ابورتوینیت، رفرمیستها،
سوپلائ شوپنگ نهادها را نکشت دهد و آنها را بی -
رحمانه از حزب پیشناختن پرولتاریا بیرون
پس از آن دارد. (۱) انتخابات مجلس موسسان و

مارکسیسم را ببای موزیسم و سکاریتیسم !
روزیستونیسم را افتخار کرده و طرد نماییم !
سورزاوی و امیریا لیسم را سوساز خنثی و در هم مکوبیم !

معنای سلب قدرت سیاسی از طبقه کارگرنشا ند حزب
سیاسی طبقه کارگر اسلام طبقه ای و بازار اعمال منشی
کمونیستی می باشد زمان نیکه پرولتا ریا از حزب
طبقه ای خود محروم باشد بیکار اعمال منشی کمونیستی
میمکنند خواه هدیه دهند ترومنکیستها و را "کارگر" هرآسان
درگ مکانیکی خود نمیتوانند را بطریین سیاست
پرولتا ریا و خوب دولت او را دریا بیند آنان تنصور
می کنند که حزب و دولت پرولتا ریا بدون آیدلولزوی
منشی و سیاست کمونیستی می شونند وجود داد شده باشد.
همچنین آنان تصور می کنند که ما لکیت سوسیالیستی
بدون قدرت سیاسی طبقه کارگر میسر است حال آنکه
ما را کنیم لشتنیم بهمای آموز دادنجه که تعذیب
کنندۀ ما لکیت و اقتضا دوسیا لیستی میباشد،
وجود قدرت سیاسی پرولتا ریا است که وجود دیابا عدم وجود
سیاست میباشد میتواند بعدها عدم وجود
ما را کنیم لشتنیم و می پرولتا ریا شی میگردد .
بهمنی لحاظ است که میگوییم بقدرت رسیدن روی بیرون
نمی بعنای بقدرت رسیدن بورژوازی و با زگشتن
مرما بهدازی می باشد .

تحریف اساسی روپرتوسینی "را دکار کر" تجارت
که همه این مسائل را نادیده می کیرد و عملای پروریز
روپرتوسین خدمت می کنند. "را دکار کر" زمانی که روپرتوسین
بیشترها در قدرت هستند و کوشش و روزگار سوسال
میریا لیستی تبدیل شده است محبوبیت از کشور سوسال
میکنند طبقه کارگر میکنند و این بهترین کمک
و حاکمیت طبقه کارگر میکنند و این بهترین کمک
و روپرتوسین استها، این دشمنان بروولتا ریا و بزرگترین
مردمی به طبقه کارگر روما را کنیم - لخنیم میباشد.

باشد. همچنان که بوروز را تها بوروز را ها شی هستندکه
دشمن پرولوست ریا می باشد. سوروکرا تیسم نیز بدیده
ای مافوق طبقاتی شوده، بلکه خصوصیتی بوروز را شی
بوده و دشمن ساخت سوسیا لیسم میباشد. بقول استالین
”بوروکرا تیسم در روحیه سوریی یک بیان نفود
بوروز را شی بر سار زماهای ماست.“
(علیه مبتذل کردن شعار استقادا رخود)

ار-آن-جا-کا-معه-شوروی-ضوریک-جا-معه-طبقا-سی
بود، پرواضح است که سپرده‌های بوروزاده‌شی به مهبا راه
خود علیه پرولوست ریا ادا مده‌هند. روزی بیونیم تجسم
می‌زند بوروزاده‌ای علیه پرولوست ریا مهبا شد و می‌گشتند
با کسب قدرت سیا سی پرولوست ریا اراده قدرت بزیر
کشاند. روزی بیونیم خوشچی بیان کننده‌منا فیع
بوروزاده‌ای نوچ سته و دشمن سرحت پرولوست ریا می‌
باشد. در شروعی سه‌نکا میکره روزی بیونیم استهای خروجی
بقدرت میرسند و حزب و دولت شوروی را روزی بیونیم مشی هدایت
کنند خود میکشانند. درسا س مهبا نی ما را کیسم -
لستینیم تجدید نظر گردد، همی بوروزاده‌شی روزی بیونیم
را حاکمی نما نند. حزب پرولوستی را غصیر ما هست
داده و آزان حریق بوروزاده‌شی بوجودی آور نمند.
دیکتنا توری پرولوست ریا را شوکرده و دیکتنا توری بور-
زواده را مستقرمی گردانند.

از اینچه سطه داریا لکتکی استقرار و قدرت بورزوآ شی
نمی تواند در عرصه های دیگر زندگی شوروی نباشیم
نکنداز. بهمکا میکرده روسای سیاسی - حقوقی جامعه
قلب ما هبیت پیدا کرد، زیرینیای جامعه شیمی تواند
از این تحولات ناشی نمیشود. لتنین با رها و رها
برترش تعیین کننده سیاست درسترا مدوران گذار از
سرما بیداری به کمونیسم تا کیدمی شود. و بهمین
منظوره سبقاً و تحکیم دیکتاتوری انقلابی برولتاریا
تجویح خاصی مبدول نمیکرد. در حالیکه تروتسکی و
بوخا وین از دیدی اکونومیستی سوسیالیسم را تنها
نتیجه رشد اقتصادی می دیدند و همیشة تعیین کننده
سیاست برولتاری را تابعیت امکان نهادند. لتنین با
این فکرها نجرا فی و فدم رکیستی به میان زبره رخاسته
و شناخت دادکه سوسیالیسم تنها تحت دیکتاتوری برو -
لتناریا و بطور مخفی شرحت سیاست برولتاری امکان -
پذیراست. فبدان و ضمحلان این سیاست به اضمحلال
سوسیالیسم منتهی می کردد.



پیش بسوی ایجاد حزب طبقہ کارکر